



ISSN:2423-7663



فصلنامه علمی - پژوهشی مهدویت
سال پانزدهم / شماره ششم / زمستان ۱۴۰۰

نقد مدخل «امام حسن عسکری علیه السلام» دائرةالمعارف بزرگ اسلامی براساس شیوه‌های «نقد محتوایی»، «نقد تحلیلی» و «نقد برآیندی»*

احمد فلاح‌زاده^۱

چکیده

مدخل «حسن عسکری علیه السلام» مطالعه‌ای نو و چند لایه، در سبک دائرةالمعارف نگاری است. تکاپوی نویسنده در ارائه تصویری تاریخی از امام و زمانه ایشان، یکی از بهترین مطالعات را به دست داده است. مسئله تحقیق این است، آیا این مدخل در شناخت دقیق عصر امام حسن عسکری علیه السلام از نظر «محتوا»، «تحلیل‌ها» و «برآیندگیری» کاملاً توانمند بوده است؟ روش پژوهش پیش‌رو، بازخوانی نقد محتوا با واکاوی «دقت استنادها»، «سطح تحقیق»، «سنجش تحلیلی»، «بررسی برآیند» و «یافته‌های نویسنده» است. یافته‌ها حکایت از آن دارند، در یک بررسی انتقادی، هر سه سطح پیش‌گفته در مدخل مورد نظر، نیازمند ژرف‌نگری است. به همین سبب، بازنگری در قالب غنی‌سازی برای مدخل «امام حسن عسکری علیه السلام» پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی

پیشوای یازدهم، نقد مدخل دائرةالمعارفی، نقد متن، عصر دوم عباسی، احمد پاکتچی.

مقدمه

مقالات دائرةالمعارفی از نظر کیفیت نگارش، نوع بررسی، قلم و ادبیات و توان اقناع مخاطب از بالاترین سطح کیفیت تحقیقات برخوردارند و یا دستکم به این ویژگی مشهورند. با این حال اما نقدنگاری بر مقالات دانشنامه‌ای چندان در جامعه ایرانی رواج ندارد و ناکامه باید گفت، این نوع از نقدنویسی در ایران به تعداد انگشتان دو دست هم نمی‌رسد. این در حالی است که چنین نوشته‌هایی به دلیل فراوانی مراجعه، به عنوان بهترین پژوهش‌های معاصر، شایسته است تا از پالایه‌های مختلف ارزیابی گذر داده و به روزرسانی شوند. از آن‌جا که امام حسن عسکری علیه السلام در میان سایر ائمه علیهم السلام از کوچک‌ترین سبب پژوهشی برخوردار است،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکترای تاریخ اسلام؛ مدیر گروه تاریخ مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی (ahram12772@gmail.com).

مطالعه مقاله دانشنامه‌ای درباره ایشان، انگیزه بیشتری خواهد داشت چرا که شمار مقالات علمی دارای پایه پژوهش، در این باره، بسیار اندک است. با تفصیلی که گذشت، نویسنده این نقد کوشیده است مقاله امام حسن عسکری علیه السلام به قلم احمد پاکتچی را مورد بررسی انتقادی قرار دهد.^۱ گفتنی است از آن جا که پویایی نقدنویسی از عناصر مهم توسعه دانش تاریخ است (درودی، ۲۳۲-۲۳۳) انگیزه اصلی این بررسی انتقادی، گسترش فضای نقد و نظر در حوزه مطالعات تاریخی است. گفتنی است، ناقد مقاله دیگری با عنوان رویکردهای نقد «ساختاری»، «فرآیندی» و «روندی» در بررسی انتقادی مدخل «امام حسن عسکری علیه السلام» دائرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز نوشته است و در آن به سه روش دیگر این مدخل را به نقد گرفته است.

نقد محتوایی

نقد محتوا، روشی برای بررسی و یافتن پاسخ به پرسش‌های متن است که سر بسته به ویژگی‌های مؤلف و تأثیرش بر مخاطب نیز می‌پردازد. منظور از نقد محتوا، تحلیل ساختاری نوشتار یعنی تحلیل سمانتیک کمی (quantitative semantics) نیست^۲ بلکه در این جا مراد از آن، دقت در محتوا، از نظر «بررسی دقت استنادها» و «بازکاوای بررسی و گستره تحقیق» است که در ادامه گونه‌های مختلفی از آن در مدخل امام حسن عسکری علیه السلام از نظر خواهد گذشت.

نقد و بررسی دقت استنادها

استناد در مطالعات تاریخی سهم به‌سزایی در شناخت میزان درک نویسنده از زمانه مورد بحث دارد. این مستندسازی در تاریخ، براساس سطح یقین‌آوری منابع، به ارزشمندی مآخذی که منابع برداشت آنها از بین رفته است نیز توجه دارد. همچنین چگونگی ارائه سند از سوی نویسنده و سبک برداشت از گزاره‌ها بخش دیگری از دقت در گونه‌بندی استنادهاست. آنچه در ادامه می‌آید، بررسی استنادی مقاله امام حسن عسکری علیه السلام است که نشان می‌دهد نویسنده به تاریخ‌مندی منابع اشاره ندارد، برای نمونه:

- پاکتچی «جعفریه خلص» را در شمار فرقه‌های عصر امام حسن عسکری علیه السلام می‌داند، در

۱. ناقد، هفت سال در حوزه مطالعات امام حسن عسکری علیه السلام پژوهش نموده و علاوه بر رساله دکتری خود «تعامل امامیه با سایر فرق مسلمان در عصر عسکریین»، یک مقاله بلند دانشنامه‌ای نیز برای دانشنامه اهل بیت و چند مقاله درباره این دوره برای سایر فصل‌نامه‌های تاریخی نگاشته است.

2. <http://old.ido.ir/a.aspx?a=۱۳۸۶۰۵۰۱۰۱>

حالی که گسترش و نام‌گذاری هوادارن جعفر کذاب به فرقه جعفریه خلص به سال‌های پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) و گسترش فعالیت‌های جعفر و یارانش باز می‌گردد. (مسعودی، ۱۳۸۴ش: ۲۷۲؛ خصیبی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۶ و ۳۵۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۵۷ و ۴۳۱)

– ایشان، کتاب *اثبات الوصیه* را از آن مسعودی می‌داند و به این اعتبار ۳۶ بار از این کتاب نقل کرده است. حال آن‌که کتاب *الوصیه* یا همان *اثبات الوصیه* نوشته محمد بن علی شلمغانی عراقی (د ۳۲۲ق) است. (نک: جباری، قاریان، ۱۳۹۴ش: ۱۴۹-۱۸۸؛ غفوری نژاد، ذاکری، ۱۳۹۴ش: ۱۱۸-۹۵؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۱ش: ۲۰۱-۲۲۸) شایسته ذکر است، شلمغانی پس از یک دوره تلاش علمی سرانجام رو به غلو نمود و آموزه‌های خود را در قالب فرقه‌ای منسوب به خودش منتشر کرد، (رئیس‌السادات، ۱۳۹۴ش: ۵۸-۴۶) و از سوی نویسندگان فریقین متهم به انواع انحراف گشت. (ذاکری، ۱۳۹۳ش: ۶۸-۵۱) اما چون کتبش مورد مراجعه مردم بود و برخی از کتاب‌هایش تا سده دهم هجری مورد استفاده فقیهان بود (صفری فروشانی، ذاکری، ۱۳۹۳ش: ۴۴-۲۵) برای حذف این بدنامی، کتاب‌هایش را به مسعودی نسبت دادند.

– استناد پاکتچی به جلد دوم کتاب *ارشاد القلوب* دیلمی در حالی است که سید محسن امین و شهاب‌الدین مرعشی نجفی این جلد را منتسب به دیلمی نمی‌دانند. (امین، ۱۳۹۹ش: ج ۵، ۲۵۱؛ مرعشی، ۱۳۹۹ش: ۵)

– نویسندگان، در برخی از موارد سندی برای ادعایش در اختیار نمی‌نهد، برای نمونه آورده است:

اندکی پس از نقش بر آب شدن توطئه قتل امام (ع)، معتز را مرگ فرا رسید و در ماه رجب خلافت به مهتدی (حک ۲۵۵-۲۵۶ق) منتقل شد که دولتی کوتاه در حدود یک سال و ایام خلافتی پراز نزاع امرا و آشوب در امور داشت. ضمن یاد نکردن از سند این مطلب، افزون بر آن، وی محتوا را نیز به صورت کامل به مخاطب منتقل ننموده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد:

آن حضرت در رجب سال ۲۵۵ هجری، بیست روز پیش از مرگ معتز، در نامه‌ای به اسحاق بن جعفر از او خواست از خانه خارج نشود تا این‌که خلیفه معتز کشته شود. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۲۳-۶۲۲)

سرعت رویدادها و بیم جان امامیه در بیست روز منتهی به مرگ معتز، امام را واداشت به برخی دیگر از یارانش نامه بفرستد و از آنها بخواهد در خانه خود پنهان شوند. (همان: ج ۲،

۶۲۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۴۵۲) آخرین نامه امام کشته شدن معتز را در نزدیک ترین زمان پیشگویی کرد. (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ۵۰۴؛ کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۴۵ و ۱۲۴-۱۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۵؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۸-۴۲۷؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۷۴؛ ابن صباح، ۱۴۲۲ق: ج ۲، ۱۰۸۲)^۱

نگارنده، از «ابورمثة» یکی از یاران امام، به عنوان شک کننده در امامت آن حضرت یاد کرده است، در حالی که پرسش تردیدوار ابورمثة مربوط به آغار ماه رمضان است نه بحث امامت. (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۴)

نویسنده، گاهی به استاد به یک منبع روایتی را پذیرفته و آن را نقل کرده است در حالی که سنجش آن روایت در متون دیگر، نتیجه دیگری به همراه دارد. برای نمونه آورده است: در ۲۵۲ق و دو سال پیش از رسیدن به امامت منابع از نوشتن رقعته‌ای از سوی امام عسکری علیه السلام خطاب به ابواحمد عبدالله بن عبدالله بن طاهر خبر داده‌اند... و این تنها چند روز پیش از سقوط مستعین است. سپس نتیجه می‌گیرد که به دلیل این همکاری، روابط معتز با امام در آغاز نیکو بود.

اما این گزارش به دلایل مختلفی شایسته درنگ است. زیرا در مواردی، منابع سده سوم، به اشتباه نام «مستعین» را به جای «معتز» نوشته‌اند و گاهی ترتیب نام خلفا را نیز به غلط ثبت کرده‌اند، همان گونه که پس از مهتدی به خلافت مستعین پرداخته‌اند حال آن که مستعین در سال ۲۵۲ هجری کشته شد (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۴۸) و امام حسن عسکری علیه السلام دو سال بعد یعنی در سال ۲۵۴ هجری به امامت رسید. همچنین در متن این نامه، اشاره به نفرین امام درباره خلیفه سرکش شده است که منابع تاریخی، این رخداد را مربوط به عصر معتز می‌دانند. (طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۸؛ طبری، ۱۴۲۷ق: ۳۷۷) افزون بر آن، در همان نامه، اشاره به درگیری اهل بغداد با خلیفه شده است و این موضوع مربوط به پس از شکست مستعین و کشته شدن اوست که هواداران بغدادی اش در صف مخالفان معتز قرار گرفتند (طبری، ۱۳۸۷: ج ۹، ۳۵۰) و به همین سبب، در تمامی ایام حکومت معتز اهل بغداد از سرداران قبلی مستعین که مخالف معتز بودند جانب داری کردند. (همان: ۳۵۶)

پاکتچی در بخش زندگانی معتمد، از قیام یک علوی این گونه نام می‌برد:

قیام یک علوی... ظاهراً همان علی بن زید بن علی بود که پیشتر با امام حسن عسکری علیه السلام نیز روابطی دوستانه داشت... و اکنون بر کوفه استیلا یافته...

۱. برخی به اشتباه تاریخ مرگ معتز را ۱۵ رجب نوشته‌اند در حالی که این مهتدی عباسی بود که ۱۵ رجب کشته شد (أبوحاتم التمیمی، السیرة النبویة و أخبار الخلفاء، ج ۲، ۵۷۸؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ۱۱۷).

اما بررسی‌ها حکایت از آن دارند: علی بن زید طالبی، که در کوفه قیام کرد، نام کاملش، علی بن زید بن حسین بن عیسی بن زید بن امام سجاد (علیه السلام) بود (اصفهانی، بی تا: ۵۲۸) و آن کسی که با امام حسن عسکری (علیه السلام) ارتباط داشت، علی بن زید بن علی بن حسین بن زید بن امام سجاد (علیه السلام) بود. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۳۵-۶۳۴) همین علی، گاهی که امام روزهای دوشنبه و پنجشنبه به قصر فراخوانده می شد، آن حضرت را از قصر خلیفه تا منزل امام همراهی می کرد. (راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۴۲۶؛ ابن حمزه، ۱۴۱۹ق: ۲۱)

نقد گستره تحقیق و سطح بررسی

در یک پژوهش ژرف، میزان بهره‌گیری نویسنده از منابع یکی از بنیانی‌ترین، نشانه‌های حوصله پژوهشی و یافته‌های علمی دقیق است چه آن‌که، سطح بررسی، نشانگر میزان دسترسی نویسنده به منابع و در نتیجه نمایانگر محدوده پژوهش نیز هست. در این جا به رغم توانمندی نویسنده در نقل از منابع معتبر متفاوت، وی از شماری متون چیزی نقل نمی‌کند و آنها را از دایره تحقیق خارج نموده است:

- کتاب *فضائل الأشهر الثلاثة* نوشته شیخ صدوق که گزارش‌های فریدی از زندگی امام حسن عسکری (علیه السلام) را در خود دارد از قلمروی تحقیق ایشان بیرون مانده است. در این کتاب نامه حاوی دستورالعمل عبادی در اعمال ماه رمضان از صالح بن ابی حمّاد (ابن بابویه، ۱۳۹۶: ۱۰۳) و اشاره امام حسن عسکری (علیه السلام) به نحوه نشر سیره صحیح رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مورد توجه قرار گرفته‌اند. (همان: ۱۰۴)

- نگارنده به رغم آن‌که سایر کتب ابن بابویه را بررسی کرده است اما تأملی در نامه‌های تاریخی او مانند نامه اخلاقی حمزه بن محمد (همو، ۱۳۷۶: ۴۲) یا نامه‌های اعتقادی سهیل بن زیاد درباره توحید (همو، ۱۳۹۸: ۱۰۱) و همچنین نامه یعقوب بن اسحاق درباره روئیت خدا ندارد. (همان: ۱۰۸)

- ایشان از کتاب پدر شیخ صدوق *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، که در مکتب حدیثی قم نگاشته شد و حاوی دو گزارش یکی درباره گلایه امام از تردید مردم درباره امامت ایشان و دیگری مراسم شکوهمند تشییع ایشان است (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۰۰) چیزی نقل نمی‌نماید.

- همچنین کتاب *صراط المستقیم* از نباطی بیاضی که حاوی تک گزارشی از سیره علمی امام است، را نیز از قلم انداخته است. (عاملی نباطی، ۱۳۸۴ق: ج ۳، ۵۵) افزون بر آن، کتاب از *مکارم الاخلاق* نیز نقلی نکرده است که دو روایت فقهی - اخلاقی را حسن بن فضل طبرسی (سده

ششم) از عبدالله بن جعفر حمیری به نقل از امام، آن جا آورده است. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱۶۲- ۲۲۹) همچنین دو کتاب سیدبن طاووس یکی *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم* که روایت تاریخی کرامات امام حسن عسکری علیه السلام را در خود دارد (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق: ۲۳۶-۲۳۷) و دیگر *فلاح السائل و نجاح المسائل* که نماز چهار رکعتی منسوب به امام را ثبت نموده است (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق: ۲۰۹) نیز از دائره بررسی بیرون مانده است. افزون بر آن، رجال ابن غضائری که نام برخی از یاران امام را ثبت نموده (ابن غضائری، ۱۳۶۴ش: ۸۵) و همین رجال، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام را به «سهل دیباجی» نسبت می دهد (همان: ۹۸) نیز گویا مورد واکاوی نبوده است.

-ایشان درباره علل درگیری های مهتدی با امامیه، سندهایی را از نظر دور داشته است که برای شناخت آن دوره، شایسته دقت بوده، حتی ساختار تحلیل را دگرگون می نمایند. مانند این که، آنچه مایه زندانی شدن گروهی از امامیه از جمله ابوهاشم جعفری، قاسم بن محمد عباسی، محمدبن عبیدالله و محمدبن ابراهیم عمّری شد و بعد امام حسن عسکری علیه السلام و برادرش جعفر نیز بدانها پیوستند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۲۷) این بود که عبدالله بن محمدبن داودبن عیسی از فرماندهان بلندپایه عباسی که دشمن شیعیان بود، به صورت نامشخصی کشته شد و انگ این قتل به امامیه زده شد. (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۳۸۸) همچنین نویسنده به یکی از رویدادهای مهم درباره زندانی شدن امام در این دوره اشاره نکرده است. ماجرا از این قرار است که در یکی از این زندان های عصر مهتدی، عباسیان و امامیان منحرف از امامت امام حسن عسکری علیه السلام به همراه صالح بن علی که او نیز سردهسته این بازگشتگان از امامت آن حضرت بود به صالح بن وصیف از امیران دربار سفارش کردند تا سختگیری فراوانی بر امام نمایند. او نیز دو زندانبان بر امام گماشت. اما هر دو زندانبان یعنی علی بن بَارْمَش و أَقْتَامَش (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۹) تحت تأثیر اخلاق امام، دگرگون شده دست از دشمنی برداشتند. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۴۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۳۰)

- نویسنده، در اشاره به وضعیت قیام صاحب زنگ، برخی از گزارش های راهگشا برای تحلیل درست آن دوره را از نظر دور داشته است. برای نمونه داده های تاریخی آورده اند که گسترش حرکت زنگیان در رمضان سال ۲۵۵ق (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۱۰۸) مایه بیمناکی خلیفه از ضعف خلافت و قدرت یابی بزرگ علویان یعنی امام حسن عسکری علیه السلام شد و همین یکی از دلایل تصمیم خلیفه بر قتل آن حضرت بود (ادیب، ۱۹۸۵م: ۲۳۹) چرا که تعداد زیادی از طالبیان و علویان به صاحب زنگ گرویده بودند. (قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۲۹) یکی از دلایل علاقه

شیعیان به قیام زنگیان، پیشگویی امام علی علیه السلام از قیام صاحب زنگ در کتب ملاحم بود. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶ش: ۱۳۵) این شورش آن قدر گسترده شد که امیدها برای نابودی خلافت عباسیان را زنده کرد (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۴۲۱) و در مناطق امامی نشین مانند کرخ بغداد از زنگیان پیشوازی گرمی شد. (همان: ج ۹، ۴۱۶) گرچه امام در نامه‌ای به یارانش هر گونه انتساب صاحب زنگ به خود را رد کرد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۲۴) اما شماری از امامیه این نظر امام را از باب «تقیه» می‌دانستند. (قمی، ۱۳۶۱ش: ۲۲۹)

ایشان در هنگام بحث از «نفی جسمانیت» خدا در این دوره، مطالبی را نقل ننموده است که در شناخت آن زمانه، مخاطب را یاری می‌کند. در حالی که جا داشت اشاره نمایند که «جسم‌انگاری پروردگار و ادعای انتساب این نظریه به امامیه (جاحظ، ۱۴۲۳ق: ۳۸۰) از میان ارتباط شماری از امامیه با معتزله (اشعری، ۱۴۰۰ق: ۱۹۳ و ۲۰۸) آن هم در قالب تفسیرهای عقل‌گرایانه بود (همان: ۲۱۰-۲۰۹؛ شهرستانی، بی‌تا: ج ۱، ۲۱۶) که چنین دیدگاهی را وارد بخشی از بدنه امامیه نمود. (اشعری، ۱۴۰۰ق: ۱۹۳ و ۲۰۸) این اندیشه در میان شیعیان جبال، سبب شد آنها کمتر در پی تقلید از امام باشند و از این رو، عکس‌العمل امام حسن عسکری علیه السلام را در پی داشت. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۲۳۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۱۳۴)

ایشان در بخش معرفی کتاب‌های فقهی یاران امام که به تأیید امام رسیده است، تنها از کتاب فضل بن شاذان نام می‌برد. در حالی که این موارد از قلم ایشان افتاده است: «ابن خانبه» (کشی، ۱۴۰۹ق: ۵۶۶) کتاب التادیب که به *اليوم والليله* شناخته می‌شد (آغا بزرگ، بی‌تا: ج ۳، ۲۱۰) را در مسائل واجب و مستحب روزانه امامیه به امام عرضه نمود و آن حضرت نیز تأیید کرد. (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق: ۱۸۳) همچنین کتاب *يوم و ليله* یونس از موالی خاندان یقطین از سوی ابوهاشم جعفری به امام عرضه شد که آن حضرت ضمن تأیید کتاب، نویسنده را دعا کرد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۷) همچنین، پاکتچی به انتساب کتاب «مقنعه» به امام عسکری علیه السلام اشاره‌ای ندارد که این کتاب در بخش‌هایی از آن که مورد تأیید محققان است، حاوی املاهای امام برای یارانش است. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۴)

محقق گرامی، در اشاره به موضوعات فقهی مطرح شده در عصر امام حسن عسکری علیه السلام هم، بحث‌های زیادی را نیاورده است، در حالی که این پرسش‌های فقهی آن هم در زمانی که متون فقهی برگرفته از ائمه پیشین در اختیار امامیه بود، اهمیت بیشتر این پرسش‌ها را نشان می‌دهد. موضوعاتی چون: «زکات»، (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۱۷۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۴،

۸۸ و ۵۳؛ کوفی، ۱۳۷۳: ۶۵) «نماز تراویح» (کوفی، ۱۳۷۳: ۶۵) «متععه حج» و «ازدواج موقت» (همان: ۷۲؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۷؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۹۲۸) و... گفتنی است مجموعه نظرات فقهی آن حضرت در قالب کتابی به نام *مسائل ابی محمد* به فاصله کوتاهی از شهادت آن حضرت، گردآوری شد. (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۲۰)

ایشان، در مباحث کلامی نیز بسیاری از مطالب بایسته را از گردونه مدخل خارج ساخته است. برای نمونه: دیدگاه‌های کلامی درباره علم امام و میزان توانایی‌های خارق‌العاده آن حضرت، که به شکل نامه از ایشان پرسیده می‌شد (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۸) مورد توجه نویسنده گرامی، قرار نگرفته است. تأیید آن حضرت بر شأن الهی ائمه نسبت به سائر مردم (صفار، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۲۴۰؛ ابن حمزه، ۱۴۱۹ق: ۵۶۶؛ طبری، ۱۴۱۳: ۲۸۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۲۱) در کنار شرح ناتوانی شیطان در چیرگی بر ائمه حتی در حالت خواب و جنب نشدن ائمه (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۳۲؛ ابن عبدالوهاب، بی تا: ۱۳۶؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۱، ۴۴۶؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۲۳) و روایت‌های کلامی امام درباره ولایت (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۱۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۷، ۱۸۷-۱۸۶ و ج ۸۹، ۲۵۲ و ج ۱۰۰، ۱۶-۱۵) نیز در مدخل امام حسن عسکری علیه السلام جای‌شان خالی است. افزون بر آن، موضوعاتی مانند: «خلق و رزق»، (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۲۰۲؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۴۸۹) «شروع»، (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۲۷۵) «عصمت فرشتگان» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۲۶۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲، ۲۵۹) «مهدویت» (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۶۹) و... نیز در این مدخل، جایی ندارند.

نویسنده ارجمند، وقتی به سیر مطالعاتی درباره امام حسن عسکری علیه السلام می‌پردازد، از کتاب‌های *حیة الإمام العسکری* نگاشته محمد جواد طوسی، همچنین *حیة الإمام الحسن العسکری* نوشته باقر شریف قرشی، *الإمام الحسن العسکری والد الإمام المهدي الموعود* اثر علی کورانی، و در میان آثار شیعه پژوهان غرب، از مقاله‌های «دوایت مارتین دونالدسون» (۱۸۸۴-۱۹۹۶م)، «هاینس هالم» و «مایر براشر» نامی نمی‌برد.

نگارنده عزیز، در بحث لقب‌های آن حضرت، ضمن رده‌بندی لقب‌ها براساس شهرت به ۱۸ لقب و ۴ کنیه می‌پردازد. اما گستره بررسی‌ها نشان می‌دهد مجموعه فراوانی از نام‌ها و لقب‌ها که برای آن حضرت به کار رفته است به صورت کلی در سه دسته قرار می‌گیرند. الف) کنیه‌ها؛ ب) القاب؛ ج) یادکردها (عماد طبری، ۱۳۷۹: ج ۲، ۸۴۷) که حاوی چهار رویکرد «مناقبی»، «دعایی»، «یادکردی» و «مناظره‌ای» هستند و مکتب‌های فضایل نگاری قم، ری، بغداد و به ویژه «حله» در این لقب نگاری‌ها نقش داشتند.

نقد برآیندی

منظور از نقد برآیندی، نقد تطبیقی نتایج تحقیق با مستندات منابع و بررسی میزان هماهنگی نتایج تحقیق با برداشت‌های خواننده از متن است؛ چه آن‌که در هر تحقیقی، جملات حاوی یافته‌ها، نشانگر چگونگی برداشت از منابع و نوع پردازش داده‌هاست. این موضوع همچنین از نحوه تعامل نویسنده با داده‌ها و منابع نیز حکایت می‌نماید. آنچه در ادامه می‌آید، واکاوی هماهنگی یافته‌های تحقیق با برداشت‌های مخاطب از این مقاله و تطبیق آن با منابع تحقیق است.

- نویسنده مقاله با چینش گزاره‌ها، سربسته چنین به مخاطب القا می‌کند که تولد امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌القریب در نیمه شعبان ۲۵۵ ق واقع شده است.

اما هم شماری از متون امامیه و هم بررسی گام به گام رویدادها در منابع این ادعا را تأیید نمی‌کنند. برای مثال «کلینی» زادروز را در سال ۲۵۶ قمری می‌داند (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ج ۲، ۶۴۵) همچنین بررسی گام به گام رخدادها نیز نشان می‌دهد، مهتدی به آن دلیل در پی کشتن امام حسن عسکری علیه السلام بود که درباره تولد امام مهدی علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۲۳۱) منجمان و پیشگویان قصر مطالبی به او گفته بودند مبنی بر تولد آن حضرت (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۱۳) و همین مستند خلیفه برای کشتن امام حسن عسکری علیه السلام بود. (ابن ندیم، ۱۴۱۷ ق: ۲۰۵) از این رو در رجب سال ۲۵۶ هجری مهتدی، شماری از شیعیان را به همراه امام حسن عسکری علیه السلام زندانی نمود. (خزاز، ۱۴۰۱ ق: ۲۹۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۴۰۷) امام نیز در همین زندان، نامه پیشگویی تولد پسرش درآینده نزدیک و قتل مهتدی (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۳-۲۵۲) را به یارانش ارسال نمود. (خزاز، ۱۴۰۱ ق: ۲۹۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۴۰۷) و پس از چند روز مهتدی در شعبان سال ۲۵۶ قمری کشته شد؛ زمانی که هنوز مهدی علیه السلام متولد نشده بود. (همان: ج ۴، ۴۳۶)

- نویسنده فرهیخته، با برداشت از اثبات الوصیه، این مطلب را القا می‌نماید که «زمان فراخوانی امام حسن عسکری علیه السلام به سامرا در برخی منابع ۲۳۶ هجری بود که در این سال متوکل دستور منهدم کردن بارگاه امام حسین علیه السلام را داد».

در پاسخ به این برداشت، باید گفت، اولاً چنین تاریخی در کتاب *اثبات الوصیه* دیده نشد و از جانب دیگر این تحلیل نیز نیازمند بازنگری است. زیرا بنابر داده‌های تاریخی، متوکل در آغاز خلافت، با بدگویی‌های این دو نفر یعنی «بُریحه» پیش‌نماز حرمین در مدینه (مسعودی، ۱۴۰۹ ق: ۲۳۳) و عبدالله بن محمد بن داود هاشمی از امام هادی علیه السلام، آن حضرت را به سامرا

کوچانید (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ۴۸۵-۴۸۴) و این هجرت اجباری در دوشنبه سوم رجب سال ۲۳۳ هجری بود، نه در سال ۲۳۶ هجری. (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۱۶۳؛ قمی، ۱۳۶۱ش: ۵۲۳)

- نویسنده گرامی، زمانی که به تردیدها در امامت امام حسن عسکری علیه السلام می پردازد، تلویحاً می پذیرد که این دو دلی ها تا اوایل دولت معتز (۲۵۲-۲۵۵ق) همچنان ادامه داشت. در حالی که از گزارش ها بر می آید این تردیدها تا عصر مهتدی (۲۵۵-۲۵۶ق) نیز بردوام بود. چنان که در گزارشی می خوانیم:

شماری از خاندان «بَقَّاح» که ساکن کوفه بودند، برای مطمئن شدن درباره امر امامت به سامرا آمدند و پس از رسیدن به سامرا، اجازه ورود به آنها داده نشد، تا این که تا پنجشنبه که قرار بود اما به قصر برود (یعنی دوره مهتدی) در سامرا ماندند، آن گاه در مسیر حرکت امام به سوی کاخ مهتدی، کراماتی از امام دیدند و ایمان آوردند. (طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۳۱-۴۳۲)

- پاکتچی در معرفی یاران امام، برخی از اسامی نام می برد که چنین نام هایی در منابع دیده نمی شود. مثلاً وی از دیدار آن حضرت با «بهلول» یاد می کند. در حالی که در میان یاران امام چنین شخصی در منابع رجالی و حدیث امامیه یافت نمی شود. همچنین از «عبدالعظیم حسنی» به عنوان یکی از یاران امام حسن عسکری علیه السلام نام می برد در حالی که عبدالعظیم در سال ۲۵۲ هجری یعنی دو سال پیش از امامت آن حضرت از دنیا رفته و مزارش از زمان امام هادی علیه السلام محل زیارت بود. (ابن قولویه، ۱۴۰۷ق: ۳۲۴؛ ابن بابویه، ۱۴۰۶ق: ۹۹) نویسنده ارجمند، در جای دیگر به استناد به تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام «یوسف بن محمد بن زیاد» و «علی بن محمد بن سیار» را در شمار شاگردان آن حضرت نام می برد. حال آن که واقعیت این است که پدران این دو از شاگردان امام بودند، یعنی محمد بن زیاد و محمد بن سیار. (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۱ و ۱۷۴؛ همو، ۱۳۶۲: ۴۵؛ همو، ۱۳۷۸: ج ۱، ۱۳۷ و ۲۶۷ و ۲۶۹ و ۲۸۲ و ۲۹۱ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۵؛ همو، ۱۴۰۳: ۳۶؛ همو، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۴۰) همچنین نویسنده عزیز، از «ابن رومی» (د ۲۸۳ق) به عنوان شاعر خاص امام عسکری علیه السلام یاد می کند، اما در هیچ متن متقدمی از ارتباط او با امام حسن عسکری علیه السلام یاد نشده است.^۱ البته برخی از چکامه های او اشاره به مظلومیت اهل بیت علیهم السلام دارد ولی فقط به شهادت امام حسین علیه السلام (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۲، ۲۱۵) یا فضایل علی علیه السلام (همان: ج ۲، ۳۲۲ و ج ۳، ۲۹ و ۲۶۶ و ۳۷۲) و دفاع از

۱. سیدبن طاووس او را شیعی می داند (ابن طاووس، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، ۱۳۲).

جایگاه علویان در برابر عباسیان پرداخته است. (ابن اثیر، ۱۹۶۵م: ج ۷، ۲۱۵-۲۱۶) در برابر، شایسته بود از این چهره یعنی «ابوالعینا محمد بن قاسم بن خلاد (۱۹۱-۲۸۳ق) یکی از شاعران این دوره ارادت بسیاری به امام حسن عسکری علیه السلام داشت نام برده می‌شد که برای تعزیت شهادت امام هادی علیه السلام به نزد امام حسن عسکری علیه السلام رفت. وی کراماتی در قالب ذهن خوانی و ضمیرخوانی^۱ از امام دید که برایش شگفت‌آور بود. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲: ۶۴۰؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۳۳؛ راوندی، ج ۱، ۴۴۵) همچنین نویسنده، در اشاره به یکی از یاران امام، اشاره‌ای به احمد بن یحیی بلاذری نموده و او را از یاران امام حسن عسکری علیه السلام می‌شمرد در حالی که این سخن نیازمند دقت بیشتری است زیرا در روایت آمده است، امام با بلاذری دیدار کرد که این بلاذری یک محدث امامی به نام ابومحمد احمد بن محمد بن ابراهیم (واعظ طوسی) معروف به بلاذری است که در ایام حج امام را ملاقات نموده و یک حدیث قدسی از آن حضرت نقل نمود (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۲، ۱۳۵) و ربطی به احمد بن یحیی بلاذری مورخ ندارد. (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۰۴-۴۰۳)

- پاکتچی معتقد است:

تنها گزارش از خروج از سامرای امام... برای مناسک حج است که بلاذری بدان اشاره کرده است.

این در حالی است که گزارش دیگری هم در دسترس است و آن نقل شیخ طوسی است که برخی از یاران، امام را در کنار پدرشان در روستای شخصی‌شان «صریا» در مدینه دیدند. (۱۴۱۱ق: ۱۹۹ و ۳۵۰-۳۴۹) یعنی امام از سامرا در هنگام حیات پدر، به مدینه رفته بود.

نقد تحلیلی؛ بررسی تحلیل‌های نویسنده

نقد تحلیلی، بازبینی تحلیل‌های نویسنده از چگونگی برخورد او با گزاره‌های تاریخی در کنار و روش برداشت از متن و نوع نگاه او به رویدادهاست. در نقد تحلیلی به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود که آیا این روش تحلیل به کار رفته در نگارش متن درست است؟ و آیا روش تحلیل داده‌ها متناسب با نوع گزاره‌های گردآوری شده است؟ آنچه مهم است این‌که، در نقد تحلیلی می‌بایست مفروضات تحقیق، که نویسنده بدان پای بند است، شناسایی شوند. اکنون بر همین مبنا به نقد تحلیل‌های نویسنده می‌پردازیم:

۱. منظور از ذهن خوانی و ضمیرخوانی این است که در هنگام روبرو شدن با امام بدون این‌که چیزی بگویند، امام آنچه در دل ایشان بود را فهمیده و مطابق با همان خواست درونی، عکس‌العمل نشان می‌دادند.

- پاکتچی پیرو باور به همکاری میان امام و برخی از فرمانروایان معتز، آورده است:

دور از انتظار نیست که با توجه به خصومت موجود میان معتز و مستعین و این که امیران مقتدر معتز مانند ابواحمد طاهری خلیفه جدید را از بغض امام عسکری علیه السلام نسبت به خلیفه مقتول مطلع کرده بودند، معتز در آغاز حکومتش نسبت به آن حضرت و پدرش - دست کم در ظاهر - رفتار خصومت آمیزی نداشته باشد.

در برابر ادعای بالا، این پژوهش نشان می دهد گرچه این تحلیل تا حدودی درست است اما هرگز تحلیلی تمام عیار نیست زیرا معتز در شرایطی به خلافت می رسد که اوضاع تا حدودی از کنترل خارج شده بود، مانند شورش علویان در ری (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۳۷۲) کوفه (اصفهانی، بی تا: ۵۲۶-۵۲۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۴، ۹۵) قزوین (همان: ج ۹، ۳۷۸) طبرستان (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۳۱۶) سرکشی عبدالعزیز پسر ابودلف (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۳۸۱) و همچنین قیام قمی ها (همان: ۳۰۷ق: قمی، ۱۳۶۱ش: ۳۵) که این موارد، شرایط خلافت را چنان دگرگون کرد که خلیفه برای مهار اوضاع، شماری از علویان (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۳۶۹-۳۷۰) و از جمله ابوهاشم جعفری (بزرگ علویان که مرتبط با بیت امام بود) را از بغداد به سامرا فراخواند تا تحت الحفظ باشند. (همان: ج ۹، ۳۷۱) حتی برخی بر این باورند علت شهادت امام هادی علیه السلام انتساب شورش های شیعی به بیت امامت در سامرا بود. (بلاذری، ۱۹۸۸م: ۳۰۷ق: طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۳۵۵)

- نویسنده ارجمند، در تلاش برای پیوند دو گزارش تاریخی به یکدیگر - روایت یحیی بن قتیبه با ماجرای سعید حاجب - این گونه نتیجه می گیرد:

معتز، سعید حاجب، از محرمان دربارش را مأمور کرد تا به بهانه ای (شاید زیارت) امام [حسن عسکری علیه السلام] را به کوفه برد و طوری صحنه سازی کند که حضرت در مسیر کشته شود.

این در حالی است داده های تاریخی، چنین به دست می دهند که بخشی گسترده ای از تنگناهای پیش آمده برای امام حسن عسکری علیه السلام، بر سر تهدید تولد مهدی علیه السلام برای خلافت بود. (خصیبی، ۱۴۱۱ق: ۳۶۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۶۵ و ۳۳۶؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۷۳) از این جا بود که تکاپوهای معتز برای کشتن آن حضرت پیش از تولد فرزندش، منتهی به دستور معتز به سعید حاجب شد تا امام را به کوفه برده در قصر ابن هبیره در اطراف کوفه (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۷۳) به شهادت برساند. (ابن شهر آشوب، ج ۴، ۴۳۲) البته خبر این فرمان به فاصله کوتاهی به جامعه امامیه رسید. (ابن صباغ، ۱۴۲۲ق: ج ۲،

۱۰۸۲) به همین سبب، امام درباره ناتوانی دشمنان در کشتن ایشان قبل از تولد فرزندش به شیعیان بغداد (ابن بابویه، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۴۱۷) و بصره، نامه نوشت. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۵؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۷۴)

– نگارنده مقاله، در تحلیل مناسبات امام با زیدیه چنین آورده است:

در چنین شرایطی افزودن آزادی‌های امامیه و آزادی رهبر ایشان می‌توانست به خلافت در راستای مهار قیام‌های شیعی یاری رساند.

اما این تحلیل مورد تأمل است: نخست این‌که گرچه قیام‌های زیدی عملاً پیوندی با بیت امامت در سامرا نداشتند، اما از نظر دولت عباسی، علویان همگی یک جریان برانداز بودند و دوم این‌که، امامیه نیز به قیام‌های منتسب به زیدیه مانند قیام صاحب زنگ، کمک می‌کردند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۴۱۶)

– ایشان در عصر مهتدی، از «نصر بن احمد زبیری نام می‌برد که تلاش داشت امام حسن عسکری را به امر مهتدی به شهادت برساند، که در اول رجب ۲۵۶ هجری هنگامی که به جنگی فرستاده شده بود، کشته شد».

در برابر این ادعا، تحقیق پیش‌رو، برای این است که اولاً، نصر بن احمد در ۱۳ رجب سال ۲۵۶ هجری در دفاع از مهتدی در برابر ترکان مخالفش کشته شده بود نه اول رجب. (همان: ج ۹، ۴۶۱) از سوی دیگر، گرچه امام در یکی از نامه‌هایش از یک زبیری که قصد کشتن او را دارد نام می‌برد (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۴۵ و ۱۲۴-۱۲۳) اما منظور از «زبیری» همان معتز خلیفه عباسی است که نام اصلی او «زبیر» بود. همان‌طور که برخی نامه را به جای زبیری، زبیر ثبت کرده‌اند. (خصیبی، ۱۴۱۱ق: ۲۴۹-۲۴۸؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۸-۴۲۷؛ همو، ۱۴۲۷ق: ۳۷۷؛ اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۱۷) درنگ در محتوای نامه امام نشان می‌دهد آن حضرت نوشته بود: زبیری سه روز دیگر کشته می‌شود و این تعیین سه روز برای مرگ خلیفه، مربوط به کشته شدن معتز است. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۵؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۸؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۷۴؛ ابن صباغ، ج ۲، ۱۰۸۲) ناگفته نماند در فرهنگ نامه‌نگاری ائمه سامرا رسم بود «ی» نسبت را گاهی برای لو رفتن نامه^۱ به نام افراد اضافه می‌کردند، به همین خاطر زبیر را زبیری می‌گفتند. (ابن معتز، ۱۴۱۹ق: ۲۸؛ خوارزمی، ۱۹۹۶م: ۱۰۷؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ج ۱: ۶۲)

۱. در این زمان ابوعمر عثمان را «عمری» می‌نامیدند که این سبک از خواندن یاران، براساس سیاست تقیه بود (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۴). همچنین امام یکی از مشهورترین راویان خاندان زراره، محمد بن سلیمان (۲۳۷-۳۰۱ق) معروف به ابوطاهر را «زراری» می‌خواند (نجاشی، ۳۴۷).

- نویسنده مقاله، معتقد است:

ماجرای یحیی بن قتیبه و زندانی کردن امام حسن عسکری علیه السلام در قفس درندگان مربوط به دوره معتز است، چون با آمدن مهتدی حیوانات را از قصر بیرون بردند. [پس قبل از مهتدی یعنی عصر معتز این واقعه رخ داده است]

اما بنابراین جستار، رویداد زندانی شدن امام در قفس، مربوط به عصر معتمد (۲۵۶-۲۷۹ق) است زیرا با فرارسیدن خلافت معتمد، وی درندگان را به دربار بازگرداند و با همکاری حاجبان ترک دربار، آن حضرت را در محیط شیران درنده و گرسنه قصر قرار داد تا امام را بخورند. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۴۳؛ شبلنجی، بی تا: ۳۳۰) همچنین چینش گزارش های ابن شهر آشوب نیز این ادعا را یاری می کند که این روایت را مربوط به دولت معتمد است. (ابن شهر آشوب، ج ۴، ۴۲۹-۴۳۰)

- یکی دیگر از تحلیل های نویسنده، باور به گرایش مهتدی به معتزله است و در این باره آورده است «این گرایش مانع از آن نبود که آزارها نسبت به امام عسکری علیه السلام ادامه یابد». این ادعا نیز شایسته دقت است زیرا مهتدی به اهل حدیث گرایش داشت و در پاسخ به شوق مندی او، اهل حدیث به مثابه دشمنان معتزله، علاقه زیادی به مهتدی به دلیل گرایش به اهل حدیث داشتند. (ذهبی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۷، ۳۸۴ و ۴۳؛ نویری، ۱۴۲۳ق: ج ۲۲، ۳۲۷) در برابر یک دیدگاه این بود که مهتدی از آن جا که پسر واثق بود و پدرش به اعتزال گرای شهرت داشت، از سوی مخالفانش متهم به اعتزال شد. (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۵۳)

- یکی از تحلیل های پاکتچی این است:

پس از شرکت امام در بدرقه سپاه عباسی عازم به جنگ با زنگیان، جای تعجب نیست که امام عسکری علیه السلام با به دست آوردن این موقعیت در دوره معتمد، بار دیگر به سازمان دهی اجتماعی و مالی امامیه اهتمام ورزید و در سوی مخالف نیز جای شگفتی نیست که همین نقش فعال امام - آن هم در پایتخت دولت عباسی - بار دیگر فعالیت آن حضرت را به موضوعی برای نگرانی دستگاه خلافت مبدل کرد.

اما این تحلیل نیز پذیرفته نیست. زیرا گرچه سیاست معتمد در آغاز، احترام به آن حضرت در برابر مردم بود (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۵۱۷) و فدک را به طالبیان باز پس داد (حلی، ۱۹۸۲م: ۳۵۸) اما این رویکرد به سرعت رخت بر بست، چرا که خبر تولد پسر امام حسن عسکری علیه السلام و نیز اعلام انتساب صاحب زنگ به خاندان اهل بیت، معتمد را بر آن داشت تا امام را وادار نماید مانند عصر مهتدی، روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته خود را به دربار معرفی نماید. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۶۳۹؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۱۵؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۲۹) البته این سیاست تحت

تأثیر مدیریت برادر خلیفه یعنی «موفق عباسی» که از چهره‌های مخالف امام بود، قرار داشت. (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۵۰۳، ج ۲، ۶۱۵؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۱، ۴۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۲۲) - پاکتچی معتقد است:

امام عسکری (علیه السلام) ... از افرادی به عنوان واسطه ارتباط استفاده می‌کرده است؛ [و] این گامی در راستای تثبیت سنت ابواب بود... کسی که در منابع امامی به عنوان باب آن حضرت شناخته شده، عثمان بن سعید است.

در برابر باید گفت، داده‌های تاریخی آن دوره «سنت ابواب» را مربوط به جریان‌های منحرف از امامیه می‌دانند. (خصیبی، ۱۴۱۱ق: ۳۸۵) همچنین در آن زمان در میان امامیه، استفاده از واژه «باب» رایج نبود بلکه واژه «نایب خاصه» یا «وکیل خاص» به کار می‌رفت که بعدها در عصر غیبت کبری به مرور واژه «نایب» به واژه «باب» تغییر شکل داد. در این باره منابعی که پاکتچی بدان‌ها مستند می‌شود، مربوط به عصر غیبت و هم‌پیوند با جریان‌های خاصی از امامیه‌اند. علاوه بر آن، دیدگاهی نیز معتقد است، اساساً منابع امامیه منصب «باب» را تأیید نمی‌کنند. (نک: صفری فروشانی، ۱۳۹۵ش: ۱۲۳-۹۱؛ همو، ۱۳۹۶ش: ۷-۴۸) شایسته ذکر است با این‌که ابن شهر آشوب با نام بردن از حسین بن روح نوبختی او را باب امام حسن عسکری (علیه السلام) نامیده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۴۲۳) اما مطالعه زمانه حسین بن روح (د ۳۲۶ق) این مطلب را ثابت نمی‌کند زیرا هنوز در عصر امام حسن عسکری (علیه السلام)، حسین بن روح به دنیا نیامده و نامی از او نیست.

- نویسنده گرامی، خواننده را بین این‌که بالاخره امام حسن عسکری (علیه السلام) مسموم شد یا به مرگ طبیعی از دنیا رفت، در تردید نگه می‌دارد و براساس روش تاریخی که بیشتر جانب فوت را تاریخی می‌داند تا پذیرش شهادت، خواننده را به سمت پذیرش فوت امام متمایل می‌کند. اما شواهد تاریخی نشان می‌دهند در آن دوره بهترین راه برای قتل بزرگانی که خلافت نمی‌توانست دست خود را در کشتن آنها آشکار نماید، مسموم‌سازی بود مخصوصاً کسانی که در چارچوب تقدس هاشمیان قرار می‌گرفتند (کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۱۴، ۷۹۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۳۰۹؛ اصفهانی، بی‌تا: ۵۳۱) زیرا مردم بنی‌هاشم را مقدس می‌شمردند. از سوی دیگر پزشکان دربار تخصص کافی در مسموم‌سازی داشتند. (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۲۵۳) گفتنی است در سال ۲۶۰ قمری، آن حضرت، شهادت خود را در همان سال پیشگویی کرد (صفار، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۴۸۲؛ مسعودی، بی‌تا، ۲۵۰؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲: ۴۰۸) و در تفسیر آیه «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ» نیز در پاسخ یاران، به این رویداد اشاره کرد. (مسعودی، بی‌تا: ۲۶۵) پس از این پیشگویی، امام مسموم شده و علائم مسمومیت در ایشان هویدا گشت. (ابن

بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۴؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۲) دو روز بعد که حال عمومی امام بدتر شد وزیر شخصاً به دیدار امام رفت و قاضی ابن ابی شوارب (د ۲۸۳ق) را نیز برای گواهی فراخواند و او نیز ده نفر از نیروهایش را به منزل امام فرستاد تا صبح و شب مراقب اوضاع باشند. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۱۸-۲۱۹) اما حال امام وخیم تر شد. آن حضرت کوشید بر پایه آگاهی اش از طب، این مسمومیت را با جوشاندن گونه‌ای از گندرومی (مصطکی) برطرف نماید، اما سم کارگر افتاد و مایه شهادت ایشان شد. (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۷۴)

نتیجه‌گیری

مدخل امام حسن عسکری علیه السلام در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به قلم احمد پاکتچی - به رغم کوشش در خور تقدیر نویسنده و شایستگی او در پژوهش‌های تاریخی - در سه ساختار «نقد محتوایی»، «نقد تحلیلی» و «نقد برآیندی» بررسی شده و کاستی‌های آن برجسته شد. انگیزه بنیادین این نقدنگاری، تصحیح این مدخل به عنوان یکی از سرچشمه‌های مطالعات امام حسن عسکری علیه السلام بود. این واکاوی انتقادی سرانجام براساس همان فرضیه‌های کاستی محتوایی، تحلیلی و برآیندی مدخل مد نظر، به ناکافی بودن بهره‌گیری نویسنده از مستندات و گزاره‌های تاریخی - حدیثی، ناتمام بودن تحلیل‌ها و ناهمخوانی برآیندها اشاره نمود و به این نکته پرداخت که گرچه نویسنده گرامی براساس اصل تاریخ بسندگی دست به نگارش این مدخل زده است اما سطح بررسی‌ها، گستره تحقیقات و نوع تحلیل‌ها، در کنار سنجش برآیند مدخل، نیازمند بازنگری است. پیشنهاد می‌شود مدخل‌های دائرةالمعارف بزرگ اسلامی براساس نقدهای ارائه شده، در راستای غنی‌سازی، بازنگری و به روزرسانی شوند.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر/ دار بیروت.
۲. ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۶۶ش)، *تاریخ طبرستان*، تحقیق: عباس اقبال آشتیانی، تهران، پدیده خاور، دوم.
۳. ابن بابویه، علی بن الحسین (۱۴۰۴ق)، *الامامة والتبصرة*، قم، مدرسه الامام المهدي علیه السلام، اول.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
۵. ابن حمدون، محمد بن حسن (۱۹۹۶م)، *التذکره الحمدونیة*، تحقیق: إحسان عباس و بسکر عباس، بیروت: دارصادر، اول.

۶. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۱۹ق)، *الثاقب فی المناقب*، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انصاریان، سوم.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، دوم.
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *مناقب آل أبی طالب*، قم، علامه، اول.
۹. ابن صباغ مالکی (۱۴۲۲ق)، *الفصول المهمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام*، قم، دارالحديث، اول.
۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۸ق)، *فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم*، قم، دارالذخائر، اول.
۱۱. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ق)، *فلاح السائل*، قم، بوستان کتاب، اول.
۱۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶ق)، *الإقبال بالأعمال الحسنة*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، اول.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ق)، *فلاح السائل ونجاح المسائل*، قم، بوستان کتاب، اول.
۱۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۱ق)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، تحقیق: ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، قم، دارالذخائر، اول.
۱۵. ابن عربی، محیی‌الدین (۱۴۲۲ق)، *محاضرة الأبرار و مسامرة الأخیار*، تحقیق: محمد عبدالکریم النمری، بیروت، دارالکتب العلمیة، اول.
۱۶. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ش)، *الرجال*، تحقیق: محمدرضا حسینی، قم، دارالحديث.
۱۷. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ش)، *رجال ابن غضائری*، قم، دارالحديث، اول.
۱۸. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، *عدة الداعی و نجاح الساعی*، تحقیق: احمد موحدی قمی، بی‌جا، دارالکتب الإسلامی، اول.
۱۹. ابن معتز، عبدالله (۱۴۱۹ق)، *طبقات شعراء المحدثین*، تحقیق: عمر فاروق طباع، بیروت، دارالأرقم بن أبی الأرقم، اول.
۲۰. ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تعليق: شیخ ابراهیم رمضان، بیروت، دارالمعرفة.
۲۱. ادیب، عادل (۱۴۰۵ق)، *لائمة الاثنی عشر دراسة تحليلیة*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، سوم.

۲۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *کشف الغمه*، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۲۳. اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۰ق)، *مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین*، ویسبادن، فرانس شتاینر، سوم.
۲۴. اصفهانی، ابوالفرج (بی تا)، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق: سیداحمد صقر، بیروت، دارالمعرفة.
۲۵. امین، محسن (بی تا)، *اعیان الشیعه*، بی جا، بی نا.
۲۶. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (بی تا)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، نجف، مطبعة الغری.
۲۷. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸م)، *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۲۸. بیاضی نباطی، علی بن یونس (۱۳۸۴ش)، *الصرط المستقیم ای مستحق التقدیم*، نجف، المکتبه الحیدریة.
۲۹. جباری، محمدرضا؛ قاریان، حسین (۱۳۹۴ش)، «بررسی انتساب کتاب اثبات الوصیة به مسعودی»، *فصل نامه تاریخ اسلام*، سال شانزدهم، شماره اول بهار، شماره ۶۱.
۳۰. جمعی از محققان (۱۴۰۹ق)، *تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام*، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.
۳۱. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، *قرب الإسناد*، تحقیق: آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول.
۳۲. خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر*، قم، بیدار.
۳۳. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۱ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت، مؤسسه البلاغ.
۳۴. خوارزمی، جمال الدین أبی بکر (۱۴۱۸ق)، *مفید العلوم ومفید الهموم*، تحقیق: عبدالله بن ابراهیم الأنصاری، بیروت، مکتبه عنصریة.
۳۵. درودی، فریبرز (۱۳۹۳ش)، «درآمدی بر انواع نقد و کاردکردهای آن»، *فصل نامه نقد کتاب و اطلاع رسانی و ارتباطات*، سال اول، شماره ۳ و ۴.
۳۶. دیلمی، حسن بن ابی الحسن (۱۴۱۲ق)، *ارشاد القلوب*، قم، انتشارات الرضی.
۳۷. ذاکری، محمد تقی (۱۳۹۳ش)، «واکاوی دامنه انحرافات شلمغانی در منابع فریقین»، *تاریخ اسلام در آیین پژوهش*، سال یازدهم، شماره دوم.
۳۸. ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۳ق)، *تاریخ الإسلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، دوم.
۳۹. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، اول.
۴۰. رئیس السادات، تهمینه (۱۳۹۴ش)، «بررسی اندیشه ها و عقاید محمد بن علی شلمغانی

- معروف به ابن ابی العزاقر بنیان گذار فرقه عزاقریه (شلمغانیه)»، فصل نامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
۴۱. شبیری زنجانی، سید محمدجواد (۱۳۸۱ش)، «اثبات الوصیه و مسعودی صاحب مروج الذهب»، مجله انتظار، شماره ۴.
۴۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا)، الملل والنحل، تحقیق: امیرعلی مهنا، بیروت، دارالمعرفه.
۴۳. صفار، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۴۴. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۹۵ش)، «منصب بابیت امامان در ترازوی نقد بررسی محتوای شناسانه با توجه به کتاب رازداران حریم اهل بیت علیهم السلام»، فصل نامه شیعه پژوهی، دوره ۲، شماره ۶.
۴۵. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۹۶ش)، «اعتبارسنجی آموزه بابیت در عصر حضور تا پایان غیبت صغری، بررسی منبع شناختی»، فصل نامه تاریخ اسلام، سال هجدهم، شماره هفتاد و دوم.
۴۶. صفری فروشانی، نعمت الله؛ ذاکری، محمد تقی (۱۳۹۳ش)، «کاوشی در کتاب التکلیف شلمغانی؛ بررسی جایگاه و سیر تاریخی آن»، شیعه پژوهی، سال اول، شماره ۱.
۴۷. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، مرتضی، اول.
۴۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، چهارم.
۴۹. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی.
۵۰. طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷م)، تاریخ الطبری، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، دوم.
۵۱. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامه، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثة، قم، بعثت، اول.
۵۲. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۲۷ق)، نوادر المعجزات فی مناقب الأئمة الهداة، تحقیق: باسم محمد اسدی، قم، دلیل ما.
۵۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم،

- دارالمعارف الإسلامية، اول .
۵۵. عاملی نباطی، علی بن محمد (۱۳۸۴ق)، *الصراط المستقیم*، نجف، المكتبة الحيدرية، اول .
۵۶. عماد طبری، حسن بن علی (۱۳۷۹)، *مناقب الطاهرين*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، اول .
۵۷. غفوری نژاد، محمد؛ ذاکری، محمدتقی (۱۳۹۴ش)، «مآخذشناسی و بازشناسی محتوای کتاب الاوصیاء شلمغانی»، *مجله انتظار موعود*، شماره ۵۰ .
۵۸. قمی، حسن بن محمد بن حسن (۱۳۶۱ش)، *تاریخ قم*، ترجمه: حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تحقیق: سید جلال الدین تهرانی، تهران، توس .
۵۹. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *رجال الکشی*، تحقیق: محمد بن حسن طوسی و حسن مصطفوی، مشهد، مؤسس، نشر دانشگاه مشهد، اول .
۶۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *الکافی*، تحقیق: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، قم، دارالحدیث .
۶۱. کوفی، ابوالقاسم (۱۳۷۳)، *الاستغاثة فی بدع الثلاثة*، تهران، اعلمی، اول .
۶۲. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۱۲ق)، *رساله مفرج الكرب فی معرفة صاحب ارشاد القلوب*، بی جا، بی نا .
۶۳. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب*، تحقیق: اسعد داغر، قم، دارالهجرة، دوم .
۶۴. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق)، *اثبات الوصیة (منسوب به شلمغانی)*، قم، انصاریان .
۶۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، آل البيت علیهم السلام، اول .
۶۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵)، *رجال النجاشی*، قم، جامعه مدرسین .
۶۷. نعمانی، ابن ابی زینب (۱۳۹۷ق)، *الغیبة*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، اول .
۶۸. نوبختی، حسن بن موسی (۱۴۰۴ق)، *فرق الشیعة*، بیروت، دارالاضواء، دوم .
۶۹. نویری، شهاب الدین (۱۴۲۳ق)، *نهاية الارب فی فنون الادب*، قاهره، دارالکتب و الوثائق القومية .
۷۰. یعقوبی، احمد بن واضح (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر .

